

بررسی ساختار عاملی، اعتبار و پایایی فرم فارسی پرسشنامه مقیاس‌های روابط

Investigating Reliability, Validity and Factor Structure of the Persian Version of the Relationship Scales Questionnaire

M. Amini Fasakhoudi, M.A.

مریم امینی فسخودی ✉

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه تبریز

A. Bakhshipour Roudsari, Ph.D.

دکتر عباس بخشی پورودسری

دکتری تخصصی روان‌شناسی بالینی، استاد دانشگاه تبریز

دریافت مقاله: ۹۴/۳/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۸/۲۷

پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۱۵

Abstract

The aim of the current study was to investigate the factor structure, reliability, and validity of the Persian version of the RSQ questionnaire in a non-clinical sample of Iranian students. From population of students 355 individuals sampled through convenience method and filled the relationships scales questionnaire (RSQ), Beck anxiety inventory (BAI), and depression inventory (BDI), Hazan and Shaver attachment styles questionnaire (ASQ) and the 5 factor NEO revised scale (NEO-FFI). Data was analyzed through confirmatory factor analysis and the LISREL software (8/8).

✉ Corresponding author: Faculty of Education Sciences and Psychology, University of Tabriz.
Email: amini.maryam329@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ساختار عاملی، اعتبار و پایایی پرسشنامه مقیاس‌های روابط در یک نمونه غیر بالینی از دانشجویان ایرانی بود. به منظور هنجاریابی این ابزار، از بین جامعه دانشجویان به روش نمونه‌گیری در دسترس، ۳۵۵ دانشجو به پرسش‌نامه‌های مقیاس‌های روابط (RSQ)، اضطراب بک (BAI)، افسردگی بک (BDI)، سبک‌های دلبستگی هازن و شاور (ASQ) و مقیاس تجدید نظر شده پنج عاملی نئو (NEO-FFI) پاسخ دادند. داده‌ها با روش تحلیل عاملی تأییدی و نرم‌افزار لیزرل (۸/۸) تحلیل شدند.

✉ نویسنده مسئول: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه

تبریز

پست الکترونیک: amini.maryam329@gmail.com

The results showed that among 4 scoring patterns, the 2-factor pattern suggested by Simpson and et.al has acceptable suitability over other patterns. Calculating the coefficient internal consistency indicated that the subscales of anxiety and avoidance of this scoring pattern (RSQ) has a desirable reliability. Also convergent and divergent validity was evaluated by calculating Pearson correlation coefficient between scores of these 2 subscales, Beck anxiety and depression inventories, Hazen and Shower and NEO-60. The results of these analyzes reveals acceptable convergent and divergent validity for the studied scale. According to the results of this study, RSQ has the psychometric properties to be utilized in psychological research and clinical diagnosis.

Keywords: Reliability, Validity, Factor Structure, Relationship Scale Questionnaire.

نتایج نشان داد که از میان ۴ مدل نمره‌گذاری، مدل دو عاملی (سیمپسون و همکاران، ۱۹۹۲) برازندگی قابل قبولی نسبت به دیگر مدل‌ها دارد. محاسبه ضریب همسانی درونی نشان داد خرده‌مقیاس‌های اضطراب و اجتناب این الگوی نمره‌گذاری RSQ از پایایی مطلوبی برخوردار است. همچنین، اعتبار همگرا و واگرا با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین نمره‌های این دو خرده‌مقیاس با پرسش‌نامه‌های اضطراب و افسردگی بک، هازن و شاور و فرم کوتاه پنج عاملی نئو مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج این تحلیل‌ها از اعتبار همگرا و واگرای مقیاس مورد مطالعه حمایت کرد. طبق نتایج این پژوهش، مقیاس RSQ واجد ویژگی‌های روانسنجی مورد نیاز برای کاربرد پژوهش‌های روان‌شناختی و تشخیص‌های بالینی است.

کلیدواژه‌ها: اعتبار، پایایی، ساختار عاملی و پرسش‌نامه مقیاس‌های روابط

مقدمه

بر اساس نظریه دلبستگی بالبی^۱ (۱۹۷۳، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲) کیفیت روابط کودک با مراقبین اولیه منجر به رشد طرح‌واره‌های شناختی - هیجانی - عاطفی یا همان مدل‌های کاری درونی^۲ از خود و دیگران می‌شود. این مدل‌ها در تمام طول زندگی به شکل فعال و ناهوشیار به هنگام برقراری روابط صمیمی با افراد مهم به کار گرفته می‌شوند (هازن^۳ و شاور^۴، ۱۹۸۷؛ مین^۵، کاپلان^۶ و کسیدی^۷، ۱۹۸۵).

تحقیقات بعدی درک عمیق‌تری از روابط دلبستگی فراهم آورد و نشان داد که روابط دلبستگی نوع بسیار خاصی از روابط است که دربرگیرنده پیوند عاطفی با یک شخص خاص می‌باشد و در طول زمان و مکان ادامه می‌یابد (اینثورث^۸ و همکاران، ۱۹۷۸؛ به نقل از سیدموسوی، مظاهری و قنبری، ۱۳۸۹). اگرچه نظریه دلبستگی بر اساس تجربیات بین فردی کودک با مراقبان اصلی شکل گرفت، ولی از اوایل دهه ۱۹۸۰ پژوهش‌های نظری گسترده‌ای روی سبک‌های دلبستگی بزرگسالان آغاز شد

(فینی^۹، ۱۹۹۹). به دلیل پیچیدگی در سنجش و مفهوم‌پردازی‌های نظری، پژوهش‌های مربوط به دلبستگی بزرگسالان بسیار چالش‌برانگیز شد که بیشترین چالش در زمینه ابزار سنجش مربوط به آن بود (جاکوبویتز^{۱۰}، کارن^{۱۱} و مولر^{۱۲}، ۲۰۰۲). در راستای بررسی الگوهای دلبستگی بزرگسالان، محققان دو مسیر مجزا از تحقیقات را به طور هم‌زمان آغاز کردند: در یک مسیر، مین و همکاران (۱۹۸۵) ابزار مصاحبه دلبستگی بزرگسالان^{۱۳} (AAI) را برای شناسایی الگوی دلبستگی افراد ساختند. آن‌ها با انجام مصاحبه با والدین و فراخواندن ناهوشیار بازنمایی‌های ذهنی^{۱۴} از روابط اولیه با مراقبین اصلی و همچنین واکنش کودکان به موقعیت غریب (اینثورت و همکاران، ۱۹۷۸)، الگوی دلبستگی والدین و کودکان را شناسایی می‌کردند (بارثولومو^{۱۵} و شاور، ۱۹۹۸).

بر اساس طبقه‌بندی AAI کودکانی که در طبقه اجتنابی جای می‌گرفتند، دارای مراقبین با سبک انکارکننده - فاصله‌جو^{۱۶}، کودکانی که در طبقه اضطرابی یا دوسوگرا جای می‌گرفتند، دارای مراقبین با سبک دل‌مشغول^{۱۷} و کودکانی که در طبقه ایمن قرار می‌گرفتند، دارای مراقبین با سبک خودمختار بودند. هم‌چنین در کارهای بعدی که توسط مین و سولومون^{۱۸} (۱۹۹۰) انجام گرفت، طبقه دیگری نیز به این طبقه‌بندی افزوده شد. به این ترتیب، کودکانی که در طبقه آشفته جای می‌گرفتند، دارای مراقبین با سبک حل‌نشده (با تروماهای حل‌نشده در تاریخچه دلبستگی‌شان) بودند (بارثولومو و شاور، ۱۹۹۸).

دومین مسیر تحقیقات مربوط به ابزارهای دلبستگی بزرگسالان، روی روابط رمانتیک تمرکز کرد. هازن و شاور (۱۹۸۷) عشق رمانتیک را به عنوان یک فرآیند دلبستگی مفهوم‌پردازی کردند و نخستین ابزار خودگزارشی سبک‌های دلبستگی بزرگسالان^{۱۹} (ASQ) را ابداع کردند. بر اساس این پرسش‌نامه افراد در سه طبقه ایمن، اضطرابی (دوسوگرا) و اجتنابی قرار می‌گرفتند. به دنبال این تحقیقات، بارثولومو (۱۹۹۰) با مرور ادبیات هر دو ابزار نتیجه گرفت که این دو رویکرد چه تفاوت‌هایی با هم دارند: در تمرکز روی دلبستگی (والد - کودک در برابر روابط عاشقانه)، روش‌شناسی به کار رفته برای طبقه‌بندی (مصاحبه در برابر خودگزارشی) و در نهایت اینکه AAI روی مدل‌های کاری درونی پویا و ناهوشیار فرد تمرکز دارد، یعنی فرض می‌شود که افراد از این پویایی آگاه نیستند. در مقابل، ابزار خودگزارشی روی احساسات و رفتارهایی در روابط نزدیک با دیگران که به شکل آگاهانه می‌باشد، تمرکز دارد.

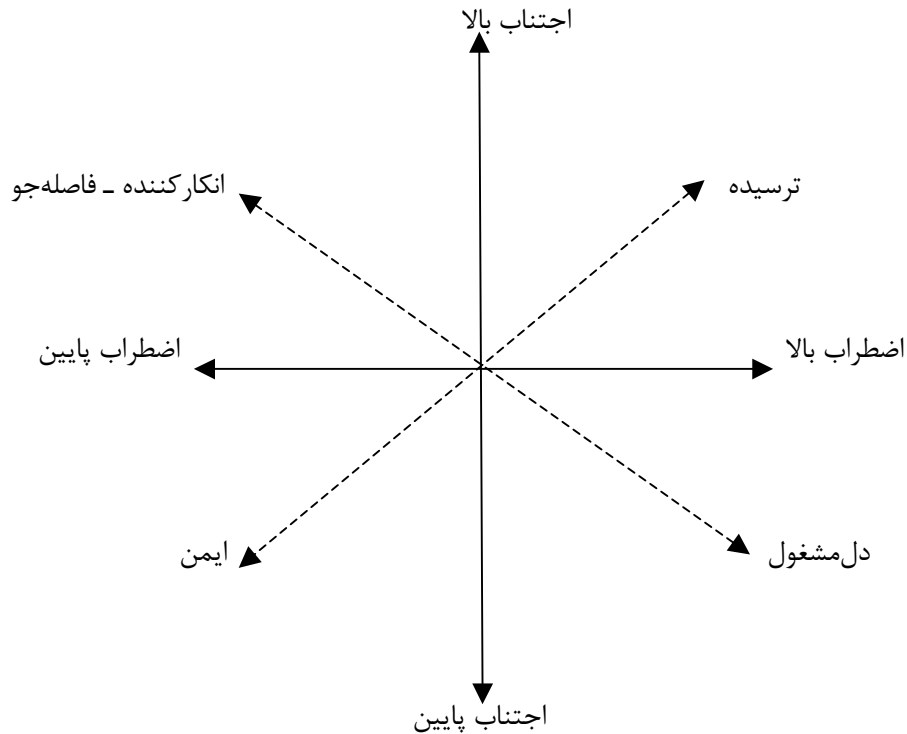
هم‌چنین بارثولومو (۱۹۹۰) بیان کرد افرادی که توسط AAI اجتنابی انکارکننده - فاصله‌جو طبقه‌بندی می‌شوند، دارای تجربیات دردناک با مراقبین اولیه خود هستند و با کم‌اهمیت جلوه دادن و نادیده گرفتن به انکار نیازهای دلبستگی‌شان می‌پردازند. در حالی که افرادی که توسط ابزار خودگزارشی هازن و شاور در طبقه اجتنابی جای می‌گیرند، سطوح بالای درماندگی و ترس از نزدیکی و صمیمیت در روابط نزدیک را گزارش می‌کنند. در نتیجه، این دو فرم مجزا از اجتناب به

شکل اجبار در خوداتکایی (انکارکننده) در مقابل ترس از انتظار وقوع طرد به وسیله دیگران (ترسیده)^{۲۰} تجربه می‌شوند. در نتیجه این پژوهش‌ها، براساس یک مدل دو بعدی با نفوذ از خود و دیگران (همان مدل‌های کاری درونی مربوط به خود و دیگران بالبی) پرسش‌نامه روابط^{۲۱} (RQ) توسط بارثولومو و هاروویتز^{۲۲} (۱۹۹۱) شکل گرفت. طبق مدل بارثولومو (۱۹۹۰) سبک اجتنابی به دو شکل انکارکننده - فاصله‌جو و ترسیده مشخص می‌شود و بنابراین چهار سبک دلبستگی مجزا می‌شود. در پژوهشی که روی ۸۴۰ دانشجوی انجام گرفت، دو سبک دل‌مشغول و ترسیده به ترتیب مطابق با سبک‌های دوسوگرا و اجتنابی هازن و شاور طبقه‌بندی شدند (برنان^{۲۳}، شاور و توبی^{۲۴}، ۱۹۹۱).

اگرچه هر دو پرسش‌نامه ASQ و RQ به طور وسیعی در تحقیقات به کار گرفته شدند، ولی به سرعت محدودیت آن‌ها توسط گروهی از صاحب‌نظران آشکار شد (برای مثال، کولینز^{۲۵} و رید^{۲۶}، ۱۹۹۰؛ لوی^{۲۷} و دیویس^{۲۸}، ۱۹۸۸؛ سیمپسون^{۲۹}، ۱۹۹۰). به این ترتیب که هر دو ابزار افراد را تنها با توجه به بهترین توصیف از روابطشان طبقه‌بندی می‌کنند، حتی اگر توصیف مناسب دیگری هم برای آن‌ها وجود داشته باشد (سیمپسون، ۱۹۹۰). در نتیجه، برخی از محققان استفاده از ابزارهای پیوستاری^{۳۰} را آغاز کردند (فرالی^{۳۱} و والر^{۳۲}، ۱۹۹۸). پرسش‌نامه مقیاس‌های روابط^{۳۳} (RSQ) یکی از این ابزارهای پیوستاری بود که توسط گریفین^{۳۴} و بارثولومو (۱۹۹۴) ساخته شد. در ساخت RSQ عباراتی از سبک‌های دلبستگی هازن و شاور (ASQ)، پرسش‌نامه روابط بارثولومو و هاروویتز (RQ) و همچنین مقیاس‌های دلبستگی بزرگسالان^{۳۵} (AAS) کولینز و رید (۱۹۹۰ و ۱۹۹۶) و پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسالان^{۳۶} (AAQ) سیمپسون، رولز^{۳۷} و نلیگان^{۳۸} (۱۹۹۲) به کار رفته است. در RSQ نیز مانند RQ چهار سبک دلبستگی ایمن، دل‌مشغول، ترسیده و انکارکننده - فاصله‌جو طبقه‌بندی می‌شود که دو سبک دل‌مشغول و ترسیده به ترتیب مطابق با دو سبک دوسوگرا و اجتنابی هازن و شاور است. به کمک این مقیاس نمرات هر فرد روی دو پیوستار اضطراب و اجتناب مرتب و درجه‌بندی می‌شود، به این ترتیب، هر فرد می‌تواند به ازای هر یک از چهار سبک دلبستگی یک نمره بگیرد (میکولینسر^{۳۹} و شاور، ۲۰۰۸).

طبق مدل بارثولومو (۱۹۹۰) پیوستار اضطراب نشان‌دهنده مدل از خود و پیوستار اجتناب نشان‌دهنده مدل از دیگران است. در مدل بارثولومو (۱۹۹۰) افراد با سبک دل‌مشغول و ترسیده سطوح بالایی از اضطراب را تجربه می‌کنند، اما پاسخ آن‌ها به این اضطراب متفاوت است: افراد دل‌مشغول با جست‌وجوی حمایت و همدلی از دیگران و افراد ترسیده با کناره گرفتن از دیگران به دلیل اجتناب از طرد شدن، مشخص می‌شوند. همچنین در افراد با دو سبک ترسیده و انکارکننده - فاصله‌جو، سطوح بالایی از اجتناب و سطوح متفاوتی از اضطراب دیده می‌شود.

افراد ترسیده حساسیت زیادی به طرد شدن و فقدان روابط بین فردی دارند، در حالی که افراد انکارکننده به صورت دفاعی نیاز به دیگران را انکار می کنند (آلیسون^{۴۰} و همکاران، ۲۰۰۸). در شکل ۱ هر چهار مدل روابط بر اساس دو پیوستار اضطراب و اجتناب نشان داده شده است. در واقع، این شکل نشان می دهد که چگونه دو بعد اضطراب و اجتناب، مدل های مختلف نمره گذاری RSQ را تبیین و توجیه می کنند.



شکل ۱: مدل دو بعدی بارثولومو (۱۹۹۰) از سبک های دلبستگی بزرگسالان بر اساس دو پیوستار اضطراب (مدل از خود) و اجتناب (مدل از دیگران)

گریفین و بارثولومو (۱۹۹۴) نمره گذاری RSQ را طبق مدل فوق انجام دادند. آن ها چهار سبک دلبستگی را بر اساس مدل طبقه ای در نظر گرفتند. همچنین در پژوهش کوردک^{۴۱} (۲۰۰۲) بر اساس نظام پیوستاری، مدل های نمره گذاری دیگری به کمک مقیاس های نام برده که در ساخت RSQ به کار رفته اند، معرفی شده است که در ادامه به تفصیل به این مدل های نمره گذاری اشاره می شود.

مدل دو عاملی اول منطبق با پرسش‌نامه سیمپسون، رولز و نلیگان (۱۹۹۲) با خرده‌مقیاس‌های اضطرابی و اجتنابی، مدل دو عاملی دوم منطبق با پرسش‌نامه فیینی و هوهاس^{۴۲} (۲۰۰۱) با خرده‌مقیاس‌های اضطرابی و اجتنابی، مدل سه عاملی اول منطبق با پرسش‌نامه هازن و شاور (۱۹۸۷) با خرده‌مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و اضطرابی (دوسوگرا)، مدل سه عاملی دوم منطبق با پرسش‌نامه کولینز و رید (۱۹۹۰ و ۱۹۹۶) با خرده‌مقیاس‌های وابسته^{۴۳} (به هنگام نیاز به دیگران، آن‌ها در دسترس هستند)، اضطرابی (نگران از طرد شدن یا دوست نداشته شدن) و نزدیکی^{۴۴} (راحتی از نزدیکی و صمیمیت) و مدل چهار عاملی گریفین و بارثولومو (۱۹۹۴) با خرده‌مقیاس‌های ایمن، ترسیده، دل‌مشغول و انکارکننده - فاصله‌جو. به طور خاص، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی برخی پژوهش‌ها از مدل دو عاملی اول در این پژوهش حمایت کرده‌اند. برای مثال، در پژوهش گریفین و بارثولومو (۱۹۹۴) روی یک نمونه بزرگ از دانشجویان، مدل دو عاملی اول به عنوان مناسب‌ترین الگو تأیید شد. پژوهش کوردک (۲۰۰۲) که روی یک گروه از افراد هم‌جنس‌گرای زن و مرد انجام گرفت نیز دارای نتایج مشابهی بود و مدل دو عاملی اول را تأیید کرد. هم‌چنین به طور کلی، نتایج اکثر پژوهش‌ها از مدل دو عاملی (اول و دوم) حمایت کرده‌اند مانند: پژوهش سیگرت^{۴۵}، وارد^{۴۶} و هادسون^{۴۷} (۱۹۹۵) در یک نمونه نیوزیلندی که مدل دو عاملی را تأیید کرد. باکستروم^{۴۸} و هولمز^{۴۹} (۲۰۰۱) در پژوهش خود روی یک نمونه ۵۱۵ نفری از دانشجویان سوئدی مدل دو عاملی را تأیید کردند. البته آن‌ها مدل سه عاملی را نیز به عنوان مدل جایگزین معرفی کردند. نتایج پژوهش مک بث^{۵۰}، اسکوانر^{۵۱} و گوملی^{۵۲} (۲۰۰۸) و رویزمن^{۵۳} و همکاران (۲۰۰۷) نیز حاکی از برزش مناسب مدل دو عاملی در مقایسه با سایر مدل‌ها بود.

به طور کلی، در پاسخ به این سؤال که آیا ارزیابی سبک‌های دلبستگی باید بر اساس نظام طبقه‌ای (مقوله‌ای) یا ابعادی (پیوستاری) صورت گیرد، نتایج پژوهش‌ها حاکی از این است که ارزیابی طبقه‌ای موجب از دست رفتن اطلاعات بالقوه مهمی می‌شود که تأثیر پیشایندها و پسایندهای رشدی تجارب دلبستگی، فهم این‌که چگونه تجارب خاص مربوط به زمان حال بر ساختار دلبستگی اثر می‌گذارد و نیز نحوه پر کردن شکاف بین پژوهش‌های دلبستگی در روان‌شناسی اجتماعی، شخصیت، بالینی و رشد، از آن جمله می‌باشند (فرالی^{۵۴} و فیلیپس^{۵۵}، ۲۰۰۹). فرالی و والر (۱۹۹۸) برای پاسخ به این سؤال، پژوهشی را روی یک نمونه ۶۰۰ نفری از دانشجویان دوره کارشناسی انجام دادند، در تحلیل آن‌ها هیچ شواهدی مبنی بر حمایت از مدل طبقه‌ای نمره‌گذاری RSQ به دست نیامد، ولی در مقابل، نتایج حاصل بیشتر با توزیع پیوستاری تفاوت‌های فردی در دلبستگی هم‌سو بود. هم‌چنین، برای تکمیل این پژوهش فرالی و اسپیکر^{۵۶} (۲۰۰۳) در تحلیلی که روی ۱۰۰۰ کودک ۱۵ ماهه در موقعیت غریب انجام دادند، به نتایج مشابهی دست یافتند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های فردی در ساختار دلبستگی هم در کودکان و هم در بزرگسالان، به صورت مدل پیوستاری

قابل فهم‌تر است. با توجه به این یافته‌ها پژوهش حاضر به منظور دستیابی به ویژگی‌های روان‌سنجی و وارسی ساخت عاملی نسخه فارسی پرسش‌نامه مقیاس‌های روابط (RSQ) به عنوان یک ابزار سنجش پیوستاری از سبک‌های دلبستگی در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی انجام گرفت. همین طور، اهمیت اعتباریابی این ابزار برای استفاده در دو حوزه گسترده اقدامات بالینی و پژوهشی و قابلیت کاربرد آن در مورد جمعیت‌های بهنجار و نابهنجار، ضرورت پژوهش را توجیه و تبیین می‌کند.

روش اجرا

طرح پژوهش حاضر در طبقه مطالعات هم‌بستگی قرار می‌گیرد. در این تحقیق تلاش شد از طریق تحلیل عاملی تأییدی ویژگی‌های روان‌سنجی چهار مدل نمره‌گذاری پرسش‌نامه مقیاس‌های روابط مقایسه و ارزیابی گردد. گام‌هایی که به ترتیب در این پژوهش برداشته شد، بدین قرار است: ابتدا عبارات ترجمه شد و به کمک اساتید روان‌شناسی صحت و روایی محتوایی پرسش‌نامه بررسی گردید. سپس طی یک مطالعه مقدماتی روی ۴۰ دانشجو میزان قابل درک بودن نسخه فارسی مورد بررسی قرار گرفت و پس از رفع نواقص، پرسش‌نامه برای اجرا در نمونه اصلی آماده شد. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دو دانشگاه تبریز و شهید بهشتی تهران بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس از میان دانشکده‌های عمران، مکانیک، برق، کشاورزی، داروسازی، شیمی و فیزیک انتخاب شدند. تعداد نمونه ۳۵۵ نفر (۲۲۱ مرد و ۱۳۴ زن) بود.

میانگین سن دانشجویان دختر ۲۳/۲۵ با دامنه ۱۸ تا ۳۴ سال و انحراف استاندارد ۳/۶۶، میانگین سن دانشجویان پسر ۲۲/۶۶ با دامنه ۱۸ تا ۳۸ سال و انحراف استاندارد ۳/۷۶ به‌دست آمد. داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از نرم‌افزار آماری (SPSS) (۲۱) در سطح آمار توصیفی شامل انحراف استاندارد و میانگین و در سطح آمار استنباطی با آزمون هم‌بستگی پیرسون و هم‌چنین، با روش تحلیل عاملی تأییدی و با استفاده از نرم‌افزار LISREL (۸/۸) (جورسکاک^{۵۷} و سوربوم^{۵۸}، ۲۰۰۵) تحلیل شدند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، فقط پرسش‌نامه‌هایی مورد استفاده قرار گرفتند که به همه سؤال‌ها پاسخ داده بودند.

ابزارهای سنجش

پرسش‌نامه مقیاس‌های روابط (RSQ): یک ابزار سنجش پیوستاری برای تعیین سبک‌های دلبستگی بزرگسالان است که توسط گریفین و بارثولومو (۱۹۹۴) براساس عباراتی از سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هازن و شاور (ASQ)، پرسش‌نامه روابط بارثولومو و هاروویتز (RQ)، مقیاس‌های دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (AAS) و پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسالان سیمپسون و همکاران (AAQ) ساخته شده است که دارای ۳۰ عبارت می‌باشد. طبق مدل بارثولومو (۱۹۹۰) در این

پرسش‌نامه، شرکت‌کنندگان به شیوه‌ای که در برقراری روابط نزدیک عاطفی با دیگران رفتار می‌کنند، به آن پاسخ می‌دهند و نمرات هر سبک پس از میانگین گرفتن از جمع نمرات در هر خرده‌مقیاس مشخص می‌شوند (راویتز^{۵۹} و همکاران، ۲۰۱۰). این ابزار دارای نمره‌گذاری‌های متفاوتی است که در پژوهش حاضر نتایج برازش آن‌ها با هم مقایسه شده است. به طور کلی نتایج یافته‌ها حاکی از این است که مدل نمره‌گذاری چهار عاملی نسبت به سایر مدل‌ها از برازش پایینی برخوردار است. برای مثال، در مطالعه باکستروم و هولمز (۲۰۰۱) آلفای کرونباخ چهار سبک ایمن، دل‌مشغول، ترسیده و انکارکننده - فاصله‌جو به ترتیب ۰/۳۲، ۰/۴۶، ۰/۷۹ و ۰/۶۴ به دست آمد که مشابه با نتایج پژوهش گریفین و بارثولومو (۱۹۹۴) بود.

آن‌ها ضریب آلفای چهار خرده‌مقیاس RSQ را در دامنه‌ای از ۰/۴۱ برای سبک ایمن تا ۰/۷۰ برای سبک انکارکننده، گزارش کردند. باکستروم و هولمز هم‌چنین در پژوهش خود پایایی مدل از دیگران (پیوستار اجتناب) را در حد قابل قبول برابر با ۰/۶۸ و پایایی مدل از خود (پیوستار اضطراب) را در حد پایین برابر با ۰/۵۰ گزارش کردند. نتایج آزمون - بازآزمون پژوهش اسکارف^{۶۰} و بارثولومو (۱۹۹۴) از ۰/۸۱ تا ۰/۸۴ برای مدل از خود و ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ برای مدل از دیگران گزارش شد، فاصله آزمون - بازآزمون در پژوهش آن‌ها ۸ ماه بود.

پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی هازن و شاور (ASQ): این مقیاس توسط هازن و شاور (۱۹۸۷) ساخته شده است و دارای دو بخش می‌باشد: در بخش اول سه پاراگراف اساسی به شکل جملاتی توصیفی مطرح شده که آزمودنی باید پاسخ‌ها را روی مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق درجه‌بندی شده، مشخص کند؛ در واقع، باید تعیین کند که این توصیف تا چه حد با ویژگی‌های آزمودنی مطابقت دارد. در بخش دوم، مجدداً همان توصیف‌ها مطرح شده، ولی این بار آزمودنی باید تنها با علامت زدن یکی از آنها تشابه خود را با یکی از توصیف‌ها بیان کند. پاکدامن (۱۳۸۰) ضرایب بازآزمایی این پرسش‌نامه را با فاصله یک ماه برابر با ۰/۹۵ و با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۸ گزارش کرد.

مقیاس تجدیدنظر شده پنج عاملی نئو (NEO-FFI): برای سنجش عوامل پنج‌گانه شخصیتی از پرسش‌نامه کوتاه شده نئو استفاده شد. این پرسش‌نامه ۶۰ گویه‌ای برای ارزیابی پنج رگه اصلی شخصیت (روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، موافقت و با وجدان بودن) توسط کاستا^{۶۱} و مک‌کرا^{۶۲} (۱۹۹۲) ساخته شده است و بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شود (گروسی، ۱۳۸۰). مغانلو و آگیلار وفایی (۱۳۸۸) ضرایب همسانی درونی را برای هر یک از عوامل به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۸، ۰/۶۵، ۰/۶۱ و ۰/۸۳ گزارش کرده‌اند. عسگری، نادری و هیکل (۱۳۸۸) نیز ضرایب پایایی مقیاس‌ها را به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۸، ۰/۷۴ و ۰/۶۷ گزارش کرده‌اند. هم‌چنین در پژوهش (کیامهر، ۱۳۸۱) پایایی این آزمون به روش دو

نیمه کردن (زوج و فرد) بین ۰/۳۷ تا ۰/۷۵ و آلفای کرونباخ آن بین ۰/۵۲ تا ۰/۸۲ به دست آمده و روایی ملاکی آن به روش هم‌زمان سنجیده شده است.

پرسش‌نامه افسردگی بک (BDI): این پرسش‌نامه ۲۱ آیتم دارد و نشانه‌های افسردگی تجربه شده در دو هفته گذشته را می‌سنجد. آیتم‌ها روی مقیاس لیکرت سه درجه‌ای از صفر تا سه پاسخ داده می‌شوند و نمره بالاتر بیان‌گر افسردگی بیشتر است و بالاترین نمره ۶۳ است. بک^{۶۳}، استیر^{۶۴} و براون^{۶۵} (۲۰۰۰) ثبات درونی این ابزار را ۰/۷۳ تا ۰/۹۲ با میانگین ۰/۸۶ و ضریب آلفای آن را برای گروه بیمار ۰/۸۶ و برای گروه غیر بیمار ۰/۸۱ گزارش کردند. دابسون و محمدخانی (۱۳۸۶) ضریب آلفای ۰/۹۲ را برای بیماران سرپایی و ۰/۹۳ را برای دانشجویان و ضریب بازآزمایی به فاصله یک هفته را ۰/۹۳ به دست آوردند. همچنین، در یک بررسی روی ۱۲۵ دانشجوی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی که جهت بررسی اعتبار و روایی این پرسش‌نامه انجام گرفت، نتایج بیانگر آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و اعتبار بازآزمایی (به فاصله دو هفته) ۰/۷۳ بود (غرایی، ۱۳۸۲).

پرسش‌نامه اضطراب بک (BAI): این پرسش‌نامه ۲۱ سؤال دارد و هر سؤال نمره‌ای بین ۰ تا ۳ می‌گیرد و دامنه نمرات بین ۰ تا ۶۳ می‌باشد. بک و همکاران (۱۹۹۸) همسانی درونی آن را ۰/۹۳ و ضریب پایایی بازآزمایی بعد از یک هفته را ۰/۷۵ گزارش کردند. ضریب آلفای پرسش‌نامه اضطراب بک برای نمونه‌ای از آزمودنی‌های بهنجار و بیمار به ترتیب: ۰/۹۱ و ۰/۹۲ گزارش شده است (بشارت، فرهادی و میرزا کمسفیدی، ۱۳۸۴).

یافته‌ها

در بررسی ساختار عاملی RSQ قبل از انجام تحلیل عاملی تأییدی، به منظور آگاهی از این‌که آیا نمونه برای انجام تحلیل مناسب است یا خیر، ابتدا آزمون‌های کفایت نمونه‌برداری کایزر - میر - ال‌کین^{۶۶} (KMO) و کرویت بارتلت^{۶۷} انجام شد. با توجه به اندازه شاخص کفایت نمونه‌برداری ۰/۷۹، معناداری آزمون کرویت بارتلت در سطح $p=0/000$ و آزمون χ^2 دو ۵۵۲۷/۵۷ مناسب بودن داده‌ها برای اجرای تحلیل تأیید شد.

در پژوهش حاضر تحلیل عاملی تأییدی، با استفاده از نرم‌افزار لیزرل نسخه ۸/۸ روی مدل‌های نمره‌گذاری دو عاملی (اول و دوم)، سه عاملی (اول و دوم) و چهار عاملی انجام شد. چهار مدل نمره‌گذاری از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد مقایسه قرار گرفت که مدل‌های اصلاح شده در جدول ۱ مشاهده می‌شوند. در تحلیل عاملی تأییدی از روش حداکثر احتمال (MLE)^{۶۸} برای برآورد مدل و از برخی شاخص‌های دیگر از جمله شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)، شاخص برازندگی نسبی (RFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، ریشه خطای میانگین مجدورات تقریب (RMSEA) و شاخص نیکویی برازش انطباقی

(AGFI) استفاده شده است. ملاک اطلاعات آکایکی (AIC) برای مقایسه مدل‌های رقیب به کار می‌رود و هرچه کوچک‌تر باشد، بر برآزش مناسب‌تر مدل دلالت می‌کند. دو شاخص برآزش هنجار شده مقتصد (PNFI) و شاخص برآزش تطبیقی مقتصد (PGFI) نیز در دامنه بین ۰/۵۰ تا ۱ مورد قبول است.

در جدول ۱ نتایج تحلیل عاملی تأییدی عبارات چهار مدل نمره‌گذاری RSQ آمده است. پس از تحلیل نتایج، آیتم‌هایی که بار معناداری روی عامل‌ها نمی‌گرفتند، حذف شدند؛ زیرا حذف آیتم‌هایی که قدرت تفکیکی دقیقی ندارند، حساسیت آزمون را بالا می‌برد.

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی تأییدی ۴ مدل نمره‌گذاری RSQ بر اساس بارهای عاملی و شاخص‌های برآزش

سؤال	مدل دو عاملی اول	مدل دو عاملی دوم	مدل سه عاملی اول	مدل سه عاملی دوم	مدل چهار عاملی
۱			۰/۲۸	۰/۲۰	۰/۳۷
۲					۰/۶۷
۳		۰/۳۰			
۴		۰/۷۹		۰/۱۹	
۵		۰/۳۹			۰/۵۱
۶		-۰/۱۹			
۷		۰/۶۶		۰/۷۸	
۸		۰/۹۴			۰/۳۲
۹		۰/۵۸			۰/۵۳
۱۰				-۰/۱۵	
۱۱	۰/۶۵	۰/۶۱	۰/۶۶	۰/۶۵	
۱۲	۰/۳۵	۰/۴۲	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۵۹
۱۳	۰/۶۴	۰/۲۶	۰/۴۵	۰/۶۶	
۱۴		۰/۸۵			
۱۵				-۰/۱۹	۰/۲۳
۱۶		۰/۶۱			۰/۶۴
۱۷		۰/۶۴		۰/۷۶	
۱۸	۰/۷۱	۰/۶۹	۰/۶۹	۰/۷۲	
۱۹					۰/۶۵
۲۰	۰/۵۳			۰/۵۲	
۲۱	۰/۷۰	۰/۷۰	۰/۷۹	۰/۷۳	
۲۲					
۲۳	۰/۶۲	۰/۷۰	۰/۴۷	۰/۶۵	
۲۴	۰/۷۶		۰/۶۱	۰/۷۴	۰/۴۱



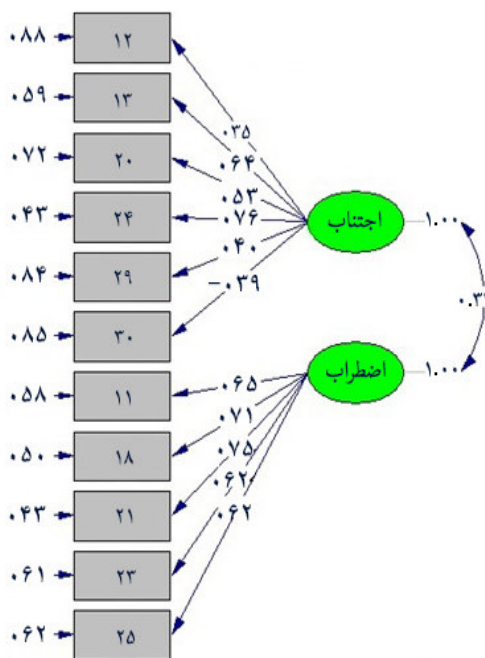
ادامه جدول ۱

۰/۶۲	۰/۶۳	۰/۵۹	۰/۵۸	۰/۶۲	۲۵
۰/۱۹			-۰/۲۳		۲۶
	-۰/۴۸				۲۷
۰/۸۰			۰/۶۰		۲۸
	۰/۳۹	۰/۴۱		۰/۴۰	۲۹
	-۰/۴۲	-۰/۳۱	-۰/۳۱	-۰/۳۹	۳۰
۱۰۹/۷۸	۲۲۳/۴۶	۹۹/۹۴	۳۶۲/۷۰	۷۰/۳۷	χ^2
۱/۸۶	۱/۶۹	۲/۴۳	۲/۱۴	۱/۶۳	χ^2/df
۰/۸۳	۰/۹۱	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۴	CFI
۰/۷۲	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۸۷	NFI
۰/۶۲	۰/۷۹	۰/۷۷	۰/۸۲	۰/۸۴	RFI
۰/۹۰	۰/۸۶	۰/۸۹	۰/۸۱	۰/۹۲	GFI
۰/۸۴	۰/۹۲	۰/۸۳	۰/۹۱	۰/۹۴	IFI
۰/۰۷۶	۰/۰۶۸	۰/۰۹۴	۰/۰۸۷	۰/۰۶۵	RMSEA
۰/۸۴	۰/۸۲	۰/۸۳	۰/۷۶	۰/۸۸	AGFI
۱۷۳/۷۸	۳۰۱/۲۶	۱۴۹/۹۴	۴۴۴/۷۰	۱۱۶/۳۷	AIC
۰/۵۴	۰/۷۱	۰/۶۲	۰/۷۵	۰/۷۸	PNFI
۰/۵۸	۰/۶۶	۰/۵۵	۰/۶۵	۰/۷۰	PGFI

اگر مجذور خی از لحاظ آماری معنادار نباشد به برازش مناسب مدل دلالت می‌کند، اما این شاخص در نمونه‌های بزرگ‌تر معمولاً معنادار است و از این رو شاخص مناسبی برای برازش مدل تلقی نمی‌گردد. در پژوهش حاضر نسبت χ^2/df برابر با ۱/۶۳ می‌باشد و عددی کمتر از ۲ را نشان می‌دهد که با ملاک‌های پیشنهادی بایرن^{۶۹} مطابقت دارد (بایرن، ۱۹۸۹؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴). همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، نسبت χ^2/df سه مدل اول، سوم و چهارم کمتر از ۲ می‌باشد که در مدل اول این مقدار ۱/۶۳ است و در مقایسه با سایر مدل‌ها مناسب‌تر می‌باشد. RMSEA کمتر از ۰/۰۶ بر برازش مناسب مدل دلالت دارد (هیو^{۷۰} و بنتلر^{۷۱}، ۱۹۹۹؛ به نقل از هومن، ۱۳۸۴) و همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، با نتایج بررسی چهار مدل مطابقت دارد. شاخص‌های CFI، GFI، AGFI، NFI، IFI و RFI دارای دامنه صفر تا یک هستند و هرچه به یک نزدیک‌تر باشند، مدل برازنده‌تر است. شاخص ALC مدل اول نیز در مقایسه با مدل‌های رقیب کوچک‌تر است.

هم‌چنین، شاخص‌های PNFI و PGFI در تمامی مدل‌ها در دامنه مورد قبول واقع شده است. با توجه به شاخص‌های جدول فوق، از میان چهار مدل نمره‌گذاری RSQ، مدل دو عاملی اول در مقایسه با مدل‌های رقیب، از برازش بهتری برخوردار است. در شکل ۱ نحوه قرار گرفتن عبارات روی عامل‌ها و مقادیر بارهای عاملی هر یک از عامل‌ها مشاهده می‌شود. اگرچه در الگوی دو عاملی اول

عبارت ۱۳ نمره‌گذاری می‌شوند، در مطالعه حاضر به دلیل همبستگی پایین دو عبارت ۱۰ و ۱۵، در نهایت ۱۱ عبارت نمره‌گذاری شدند.



در شکل بیضی‌ها، متغیرهای مکنون یا عامل‌ها و مستطیل‌ها آیتم‌های RSQ را نشان می‌دهند. پیکان‌های یک سویه از بیضی‌ها به مستطیل‌ها نشان می‌دهد که آیتم‌ها روی کدام عامل‌ها بار می‌گیرند، ارزش‌های نوشته شده روی پیکان‌ها آن میزان از واریانس آیتم را که از سوی عامل قابل توضیح است، نشان می‌دهد و پیکان‌های کوچک واریانس باقی‌مانده (واریانس خطا) را نشان می‌دهد که به وسیله عامل‌ها تعیین نمی‌شوند. در جدول ۲ همسانی درونی تمامی خرده‌مقیاس‌های مربوط به مدل‌های نمره‌گذاری RSQ آورده شده است.

مطابق با جدول ۲ آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های الگوی دو عاملی (اول و دوم) در حد متوسط ولی در مدل سه عاملی (اول و دوم) و مدل ۴ عاملی ضعیف گزارش شده است. همانطور که نتایج جدول نشان می‌دهد، در هر دو الگوی دو عاملی، خرده‌مقیاس اضطراب نسبت به خرده‌مقیاس اجتناب، آلفای کرونباخ بالاتری دارد.

جدول ۲: همسانی درونی خرده مقیاس‌های ۴ مدل نمره‌گذاری RSQ

مدل	سبک دل‌بستگی	آلفای کرونباخ	میانگین	انحراف استاندارد
مدل دو عاملی اول	اجتنابی	۰/۶۴	۹/۳۵	۳/۶۸
	اضطرابی	۰/۸۶	۷/۱۱	۴/۵۰
مدل دو عاملی دوم	اجتنابی	۰/۶۶	۱۳/۵۱	۴/۵۵
	اضطرابی	۰/۸۰	۸۶/۹۹	۹/۳۲
مدل سه عاملی اول	ایمن	۰/۳۵	۷/۳۲	۲/۳۳
	اجتنابی	۰/۴۸	۷/۴۷	۲/۶۵
	اضطرابی/دوسوگرا	۰/۷۷	۵/۵۹	۳/۶۲
مدل سه عاملی دوم	وابسته	۰/۶۰	۱۲/۸۷	۳/۸۱
	اضطرابی	۰/۷۶	۹/۳۲	۴/۸۷
	نزدیک	۰/۶۲	۸/۹۰	۳/۶۳
مدل چهار عاملی	ایمن	۰/۰۹۲	۷/۰۵	۲/۱۲
	ترسیده	۰/۵۳	۷/۶۳	۲/۸۶
	دل‌مشغول	۰/۵۵	۵/۴۵	۲/۴۷
	اجتنابی	۰/۴۰	۸/۸۲	۲/۰۹

روایی همگرا و واگرای RSQ (دو خرده‌مقیاس اضطراب و اجتناب در مدل دو عاملی اول) به وسیله محاسبه همبستگی میان RSQ با پرسش‌نامه‌های فرم کوتاه شخصیتی نئو، سبک‌های دل‌بستگی هازن و شاور و اضطراب و افسردگی یک بررسی شد که در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: همبستگی میان خرده مقیاس‌های RSQ با سایر متغیرها

خرده‌مقیاس اضطراب	خرده‌مقیاس اجتناب		
	۰/۴۵**	سبک اجتنابی	پرسش‌نامه هازن و شاور
۰/۵۲**		سبک دو سوگرا	
۰/۴۰**	۰/۱۹*	اضطراب	پرسش‌نامه یک
۰/۴۲**	۰/۲۶**	افسردگی	
۰/۴۴**	۰/۳۳**	N	پرسش‌نامه نئو
-۰/۰۸	-۰/۴۴**	E	
-۰/۰۶	۰/۱	O	
-۰/۱۴	-۰/۲۳**	A	
-۰/۱۴	-۰/۰۷	C	

* همبستگی در سطح $P < 0.05$ معنادار بود.

** همبستگی در سطح $P < 0.01$ معنادار بود.

بین دو خرده‌مقیاس اضطراب و اجتناب RSQ با اضطراب و افسردگی بک و بعد نوروتیسیسم نئو، همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت. معنای آن این است که اگر فرد دارای سبک دلبستگی اضطرابی یا اجتنابی باشد، اضطراب، افسردگی و حالات عاطفی منفی بیشتری را تجربه می‌کند. بین خرده‌مقیاس اضطراب و سبک دوسوگرایی هازن و شاور و خرده‌مقیاس اجتناب و سبک اجتناب هازن و شاور نیز رابطه معناداری به دست آمد. این نتایج اعتبار همگرایی نسخه فارسی RSQ را در این دو خرده‌مقیاس تأیید کرد. هم‌چنین همبستگی منفی و معنادار بین خرده‌مقیاس اجتناب و دو بعد برون‌گرایی و موافقت نئو حاکی از اعتبار واگرایی این خرده‌مقیاس بود. منطقی است که افراد با سبک اجتنابی نمرات پایین‌تری در ابعاد برون‌گرایی و موافقت کسب می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی نسخه فارسی RSQ روی گروهی از دانشجویان بود. نتایج بررسی روایی سازه این مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی در ایران حاکی از حمایت یافته‌ها از مدل دو عاملی اول بود که با نتیجه پژوهش گریفین و بارثولومو (۱۹۹۴) روی یک نمونه از دانشجویان کانادایی و پژوهش کوردک (۲۰۰۲) در نمونه‌ای از افراد هم‌جنس‌گرای زن و مرد در کشور انگلستان هم‌خوانی داشت. در واقع، در دو پژوهش نام‌برده مانند پژوهش حاضر، به طور خاص مدل دو عاملی اول نسبت به مدل‌های نمره‌گذاری رقیب، از برازش بهتری برخوردار بود. هم‌چنین به‌طور کلی، نتایج پژوهش‌های روی‌زمن و همکاران (۲۰۰۷) باکستروم و هولمز (۲۰۰۱)، مک‌بث و همکاران (۲۰۰۸) و سیگرت و همکاران (۱۹۹۵) به ترتیب در نمونه‌ای از دانشجویان کانادایی، سوئدی، انگلیسی و نیوزیلندی، حاکی از حمایت از مدل دو عاملی بود. بنابراین، نتایج تحلیل عاملی تأییدی و شاخص‌های برازش مدل نشان داد که نمره‌گذاری RSQ بر اساس مدل دو عاملی در نمونه ایرانی نیز از برازش قابل قبولی برخوردار است.

در این پژوهش ضریب همسانی دو خرده‌مقیاس اضطراب و اجتناب نمره‌گذاری دو عاملی رضایت‌بخش است و تقریباً با ضریب همسانی به دست آمده از پژوهش‌های دیگر هم‌سو است. برای مثال، در پژوهش مک‌بث و همکاران (۲۰۰۸) ضریب همسانی برای دو خرده‌مقیاس اضطراب و اجتناب به ترتیب ۰/۶۸ و ۰/۷۸ گزارش شد. در پژوهش کوردک (۲۰۰۲) نیز ضریب همسانی برای دو خرده‌مقیاس اضطراب و اجتناب به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۷ به دست آمد. این نتایج با یافته‌های پژوهش گریفین و بارثولومو (۱۹۹۴) نیز یکسان می‌باشد. البته لازم به ذکر است با این‌که در همگی این پژوهش‌ها مدل چهار عاملی نسبت به سایر مدل‌های نمره‌گذاری از پایایی و اعتبار نسبتاً پایینی برخوردار است، اما در پژوهش‌های متعددی به کار رفته است، زیرا این مدل نمره‌گذاری چهار سبک دلبستگی را مشخص می‌کند و دارای پیشینه نظری خوبی می‌باشد. به طوری که گریفین و بارثولومو

(۱۹۹۴) ضریب آلفای چهار مقیاس RSQ را در دامنه‌ای از ۰/۴۱ برای سبک ایمن تا ۰/۷۰ برای سبک انکارکننده گزارش کردند. در مطالعه باکستروم و هولمز (۲۰۰۱) نیز، آلفای کرونباخ چهار سبک ایمن، دل‌مشغول، ترسیده و انکارکننده - فاصله‌جو به ترتیب ۰/۳۲، ۰/۴۶، ۰/۷۹ و ۰/۶۴ به دست آمد. گریفین و بارثولومو فرض کردند این پایایی ضعیف می‌تواند به دلیل نبودن همه آیتم‌های پرسش‌نامه در نمره‌گذاری و یا به علت ادراک ضعیف آزمودنی‌ها در پاسخ به آیتم‌ها باشد؛ اما علت اصلی پایایی ضعیف الگوی چهار عاملی می‌تواند به این دلیل باشد که RSQ انعکاس‌دهنده دو بعد اضطراب و اجتناب می‌باشد (باکستروم و هولمز، ۲۰۰۱). برازش مناسب مدل دو عاملی تأییدی بر این ادعاست.

به منظور بررسی روایی همگرا و واگرای هم‌زمان خرده‌مقیاس‌های RSQ از پرسش‌نامه‌های اضطراب و افسردگی بک، هازن و شاور و پرسش‌نامه چند عاملی نئو (فرم کوتاه) استفاده شد. نتایج نشان داد که خرده‌مقیاس اضطراب با بعد نورووتیسیسم پرسش‌نامه نئو، پرسش‌نامه‌های اضطراب و افسردگی بک و سبک دوسوگرایی پرسش‌نامه هازن و شاور رابطه معناداری دارد. همچنین خرده‌مقیاس اجتناب با پرسش‌نامه‌های اضطراب و افسردگی بک و سبک اجتنابی پرسش‌نامه هازن و شاور رابطه دارد و از میان ابعاد شخصیت نئو، نورووتیسیسم با این خرده‌مقیاس رابطه مثبت ولی برون‌گرایی و موافقت با این خرده‌مقیاس رابطه معنادار منفی دارند. از آنجایی که، دو ویژگی اصلی نورووتیسیسم (یعنی داشتن حالت عاطفی منفی)، اضطراب و افسردگی است، با هر دو خرده‌مقیاس RSQ رابطه دارد. بعد برون‌گرایی نیز با ویژگی‌های گرم بودن، معاشرتی بودن، فعال بودن، ابراز وجود و هیجان‌خواهی، با خرده‌مقیاس اجتناب رابطه منفی دارد. همچنین، بعد موافقت که ویژگی اصلی آن اعتماد است، با خرده‌مقیاس اجتناب رابطه منفی دارد زیرا افراد با سبک اجتنابی به دلیل داشتن تجربیات منفی با مراقبان اولیه دارای دیدگاه منفی از دیگران هستند و به دلیل همین عدم اعتماد نمی‌توانند روابط صمیمانه با دیگران (خصوصاً افراد مهم زندگی‌شان) برقرار کنند.

به طور کلی، در خصوص ابعاد شخصیت و دو خرده‌مقیاس اضطراب و اجتناب، رابطه مثبت نورووتیسیسم با هر دو خرده‌مقیاس و رابطه منفی برون‌گرایی و موافقت با خرده‌مقیاس اجتنابی هم‌سو با نتایج گریفین و بارثولومو در یک نمونه کانادایی و باکستروم و هولمز (۲۰۰۱) در یک نمونه از دانشجویان سوئدی است. اگرچه، در پژوهش آن‌ها ابعاد برون‌گرایی و موافقت هم‌چنین با مدل از خود نیز رابطه منفی معنادار ضعیفی داشت. بنابراین با آن‌که بافت نظری این دو سازه کاملاً با هم متفاوت است، به طوری که نظریه دلبستگی از درون رویکرد روان‌تحلیلی سنتی رشد کرده، ولی نظریه پنج عاملی شخصیت از رویکرد تحلیل عاملی پدید آمده، این دو نظریه دارای ویژگی‌های مشترک زیادی هستند (نیلفروشان و همکاران، ۱۳۸۹).

محدودیت‌ها و پیشنهادات

مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر، مشکل تعمیم یافته‌ها تنها به دانشجویان دو شهر تهران و تبریز می‌باشد، بنابراین در تعمیم نتایج آن به دانشجویان سایر مناطق باید جانب احتیاط را رعایت کرد. هم‌چنین، توصیه می‌شود اجرای آزمون زیر نظر متخصصان انجام شود تا روایی آزمون با دقت بیشتری بررسی شود. استفاده از این پرسش‌نامه می‌تواند راهگشای بسیاری از تحقیقاتی باشد که در آن‌ها به مسأله دل‌بستگی پرداخته می‌شود. خصوصاً این‌که ترجمه نسخه به کار رفته در پژوهش حاضر، بر اساس روابط عاطفی و صمیمانه افراد با دیگران مهم (یعنی کلیه افراد مهم زندگی که تنها محدود به شریک زندگی نیست)، می‌باشد و محدودیت الزام روابط عاشقانه در میان زوجین و شریک زندگی را ندارد.

از طرفی، همان‌طور که در مقدمه پژوهش به آن اشاره شد، RSQ مانند برخی دیگر از پرسش‌نامه‌های پیش از خود (برای مثال، AAS و AAQ) بر اساس روش پیوستاری ساخته شده است، بنابراین بدیهی است شرایط استرس‌آور و یا درمان‌های مبتنی بر دل‌بستگی می‌تواند نمرات افراد را روی پیوستار حرکت داده و مجدداً تنظیم نماید. در این صورت، حتی در صورت عدم تغییر سبک، تغییر نمرات نزدیک به هر سبک می‌تواند نشان‌دهنده میزان تغییر روی پیوستار دل‌بستگی باشد و نتایج درمان را گام به گام نشان دهد. در نتیجه، کاربرد این ابزار به ویژه به پژوهشگرانی که اثربخشی مداخلات خود را دنبال می‌کنند، پیشنهاد می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--------------------------------|-----------------|
| 1. Bowlby | 37. Rholes |
| 2. Internal Working Model | 38. Nelligan |
| 3. Hazan | 39. Mikulincer |
| 4. Shaver | 40. Allison |
| 5. Main | 41. Kurdek |
| 6. Kaplan | 42. Hohous |
| 7. Cassidy | 43. Dependency |
| 8. Ainsworth | 44. Closeness |
| 9. Feeney | 45. Siegert |
| 10. Jacobvitz | 46. Ward |
| 11. Curran | 47. Hudson |
| 12. Moller | 48. Backstrom |
| 13. Adult Attachment Interview | 49. Holmes |
| 14. Mental Representations | 50. Mc Beth |
| 15. Bartholomew | 51. Schwannauer |
| 16. Dismissing | 52. Gumley |
| 17. Preoccupied | 53. Roisman |

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------------|
| 18. Solomon | 54. Fraley |
| 19. Attachment Styles Questionnaire | 55. Phillips |
| 20. Fearful | 56. Spieker |
| 21. Relationships Questionnaire | 57. Joreskog |
| 22. Horowitz | 58. Sorbom |
| 23. Brennan | 59. Ravitz |
| 24. Tobey | 60. Scharfe |
| 25. Collins | 61. Costa |
| 26. Read | 62. Mc Crae |
| 27. Levy | 63. Beck |
| 28. Davis | 64. Steer |
| 29. Simpson | 65. Brown |
| 30. Continuoum Scales | 66. Kaiser-Meyer-Olkin |
| 31. Fraley | 67. Bartlett Sphericity Test |
| 32. Waller | 68. Maximum Likelihood Estimate |
| 33. Attachment Scale Questionnaire | 69. Bayren |
| 34. Griffin | 70. Hu |
| 35. Adult Attachment Scales | 71. Bentler |
| 36. Adult Attachment Questionnaire | |

منابع

- بشارت، م؛ فرهادی، م؛ میرزا کمسفیدی، ر. (۱۳۸۴). پایایی و اعتبار پرسشنامه احساس غربت. مجله علم و فناوری، ۳۸-۴۵: (۳)۴.
- پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. پایان‌نامه دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- دابسون، ک؛ محمدخانی، پ. (۱۳۸۶). مختصات روان‌سنجی پرسش‌نامه افسردگی بک - ۲ در مبتلایان به اختلال افسردگی اساسی در دوره بهبودی نسبی توانبخشی. فصلنامه علمی و پژوهشی توانبخشی، ۲۹، ۸۶-۸۰.
- سید موسوی، پریسا؛ مظاهری، محمدعلی؛ قنبری، سعید (۱۳۸۹). بررسی ادراک مادران ایرانی از ویژگی‌های خوشایند و ناخوشایند مربوط به دلبستگی ایمن و نایمن در کودکان: یک مطالعه فرهنگی درباره دلبستگی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۶(۲): ۱۶۰-۱۳۷.
- عسگری، پ؛ نادری، ف؛ هیکل، ک. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و حمایت اجتماعی با رضایت شغلی معلمان شهر اهواز. فصلنامه زن و فرهنگ، پاییز، ۱(۱): ۸۰-۶۹.
- غرابی، ب. (۱۳۸۲). تعیین وضعیت‌های هویت و ارتباط آن با سبک‌های هویتی و افسردگی در نوجوانان. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، انسیتو روانپزشکی تهران.
- کیامهر، ج. (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسش‌نامه پنج عاملی نئو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

گروسی فرشی، م. (۱۳۸۰). رویکردی نوین در/ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). تبریز: نشر دانیال و جامعه پژوه.

مغانلو، م؛ آگیلار وفایی، م. (۱۳۸۸). رابطه عوامل و وجوه الگوی پنج عاملی شخصیت با شادکامی و سلامت روانی و جسمانی. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، پاییز، ۱۵، ۲۹۹-۲۹۰.

نیلفروشان، پریسا؛ احمدی، سید احمد؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ عابدی، محمدرضا؛ قاسمی، وحید (۱۳۸۹). رابطه ابعاد دل‌بستگی و عوامل پنج‌گانه شخصیت از منظر فردی و زوجی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۶ (۲): ۲۷۲-۲۵۷.

هومن، ح. (۱۳۸۴). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*. تهران: سمت.

- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M., Waters, E., Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the Strange Situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Allison, C. J., Bartholomew, K., Mayseless, O., Dutton, D. G. (2008). Love as a battlefield: Attachment and relationship dynamics in couples identified for male partner violence. *Journal of Family Issues*, 29(1), 125-150.
- Baackstrom, M., Holmes, B. M. (2001). Measuring adult attachment: A construct validation of two self-report instruments. *Scandinavian Journal of Psychology*, 42(1) 79-86.
- Bartholomew, K. (1990). Avoidance of intimacy: an attachment perspective. *Journal of Social and Personal Relationship*, 7, 147-178.
- Bartholomew, K., Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four- category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61(2) 226- 244.
- Bartholomew, K., Shaver, P. R. (1998). Methods of assessing adult attachment: Do they converge? In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (pp. 25-45). New York: Guilford Press.
- Beck, A. T., Epstein, N., Brown, G. K., Steer, R. A. (1998). An inventory for measuring and clinical anxiety: Psychometric properties. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50(6) 893-897.
- Beck, A. T., Steer, R. A., Brown, G. K. (1996). *Manual for the Beck Depression Inventory-II*. San Antonio, Tx: The Psychological Corporation.
- Bowlby, J. (1973). *Separation: Anxiety and anger*. Attachment and loss (vol. 2). New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1980). *Loss: Sadness and depression*. Attachment and loss (vol. 3). New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1982). *Attachment*. Attachment and loss (vol. 1). New York: Basic Books.
- Brennan, K. A., Shaver, P. R., Tobey, A. E. (1991). Attachment styles, gender, and parental problem drinking. *Journal of Social and Personal Relationships*, 8(4) 451-466.
- Collins, N. L. (1996). Working models of attachment: Implications for explanation, emotion, and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71(4) 810-832.
- Collins, N. L., Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4) 644-663.
- Costa, P. T., McCrae, R. R. (1992). *Revised NEO personality inventory (NEO-PI-R) and NEO five-factor inventory (NEO-FFI)*: Professional manual, Odessa, F.L: Psychological assessment resources.

- Feeney, J. A. (1999). Adult attachment, emotional control, and marital satisfaction. *Personal Relationships*, 6(2) 169–185.
- Feeney, J. A., Hohaus, L. (2001). Attachment and spousal caregiving. *Personal Relationships*, 8, 21–39.
- Fraley, R. C., Spieker, S. J. (2003). Are infant attachment patterns continuously or categorically distributed? A taxometric analysis of strange situation behavior. *Developmental Psychology*, 39(3) 387–404.
- Fraley, R. C., Waller, N. G. (1998). Adult attachment patterns: A test of the typological model. In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (pp. 77–114). New York: Guilford Press.
- Fraley, R. C., Phillips, R. L. (2009). Self-report measures of adult attachment in clinical practice. In J. H., Obegi, E., Berant (Eds), *Attachment theory and Research in clinical work with adults*. (pp. 153-180). New York: Guilford Press.
- Griffin, D. W., & Bartholomew, K. (1994). Models of the self and other: Fundamental dimensions underlying measures of adult attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(3) 430–445.
- Hazan, C., Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3) 511-524.
- Jacobvitz, D., Curran, M., Moller, N. P. (2002). Measurement of adult attachment: The place of self-report and interview methodologies. *Attachment & Human Development*, 4(2) 207-215.
- Joreskog, K. G., Sorbom, D. (2005). LISREL 8.8 user's guide. Chicago: Scientific Software International, Inc.
- Kurdek, L. A. (2002). On being insecure about the assessment of attachment styles. *Journal of Social and Personal Relationships*, 19(6), 811-834.
- Levy, M. B., Davis, K. E. (1988). Love styles and attachment styles compared: Their relations to each other and to various relationship characteristics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 5(4) 439-471.
- MacBeth, A., Schwannauer, M., Gumley, A. (2008). The association between attachment style, social mentalities, and paranoid ideation: An analogue study. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 81(1) 79-93.
- Main, M., Kaplan, N., & Cassidy, J. (1985). Security in infancy, childhood, and adulthood: A move to the level of representation. In I. Bretherton & E. Waters (Eds.), *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 50(1–2, Serial No. 209, pp. 66–106).
- Main, M., Solomon, J. (1990). Procedures for identifying infants as disorganized/disoriented during the Ainsworth Strange Situation. In M. T. Greenberg, D. Cicchetti, & E. M. Cummings (Eds.), *Attachment in the preschool years: Theory, research, and intervention* (pp. 121–160). Chicago: University of Chicago Press.
- Mikulincer, M., Shaver, P. R. (2008). Adult attachment and emotion regulation. In J, Cassidy, P. R., Shaver (Eds), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (2nd ed., pp. 503-533). New York: Guilford Press.
- Ravitz, P., Maunder, R., Hunter, J., Sthankiya, B., Lancee, w. (2010). Adult attachment measures: A 25-year review. *Journal of Psychosomatic Research*, 69(4) 419-432.
- Roisman, G. I., Holland, A., Fortuna, K., Fraley, R. C., Clausell, E., & Clarke, A. (2007). The Adult Attachment Interview and self-reports of attachment style: An

- empirical rapprochement. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92(4) 678–697.
- Scharfe, E., Bartholomew, K. (1994). Reliability and stability of adult attachment patterns. *Personal Relationships*, 1(1) 23-43.
- Siegert, R. J., Ward, T., Hudson, S. (1995). The structure of romance: A factor-analytic examination of the Relationship Scales Questionnaire. *New Zealand Journal of Psychology*, 24(1) 13-20.
- Simpson, J. A. (1990). Influence of attachment styles on romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(5) 971–980.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., Nelligan, J. S. (1992). Support seeking and support giving within couples in an anxiety-provoking situation: The role of attachment styles. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62(3) 434-446.